

سیرک حیوانات

نمایشنامه ی ویژه ی نوجوان

کورس نیک پیام

۰۹۱۳۲۷۰۱۹۵۷

سیرک حیوانات

نویسنده: کورش نیک پیام

اشخاص بازی:

فیل

شیر

شغال

میمون

گوزن

رییس

(صحنه چادر یک سیرک است . اعضای این سیرک در حال تمرین نمایش خود می باشد .

آقای فیل جانوری چاق است که دامنی کوتاه پوشیده ، او بسیار سوسول است با لحنی دخترانه صحبت می کند و خود را به صورتی جلف آرایش کرده . وی در حال تمرین بند بازی است « به جای بند می توان از تخته استفاده کرد که بتوان روی آن ایستاد . » آقای شیر با حلقه ای که قرار است از آن بگذرد ور می رود وی موجودی قوی هیکل و چهار شانه است و مدام دندانهایش را مسواک می زند و آن ها را با سوهان تیز می کند . خانم شغال گویی بلورین را جلوی خود قرار داده و در حال خواندن اورادی است . آقای میمون مدام سر به سر این و آن می گذارد . او لباس دلقکها را پوشیده و ادای حیوانات دیگر را در می آورد .

در حین تمرین این حیوانات موسیقی شادی نواخته می شود .

لحظاتی بعد از شروع نمایش رئیس وارد می شود . چهره ای خشن با سبیلی دراز دارد . در دستش شلاقی است که مدام با آن بازی می کند . کسی متوجه حضور او نیست . موسیقی کم کم فید می شود .

رئیس: بسه دیگه ! (کسی متوجه نیست) گفتم بسه ! (باز کسی متوجه نیست) . شما مثل /

اینکه حالیتون نیست . (با شلاق به جان حیوانات می افتد .)

میمون : چی شده رئیس ؟

رئیس : چند دقیقه ی دیگر برنامه تون شروع می شه ولی شما عین خیالتون هم نیست .

شیر : خوب ما داشتیم خودمون رو گرم می کردیم رئیس .

رئیس : کی بهتون گفته بود خودتون رو گرم کنید ؟

شغال : کسی بهمون چیزی نگفته بود .

رئیس : شما باید هر کاری رو که من می گم انجام بدید .

میمون : چشم رئیس !

فیل : اِ ! وا رئیس خیلی شلوغ شده ؟

شغال : حتماً اومدن من رو ببینن .

فیل : اِ ! وا رئیس می شه من نیام ؟

میمون : بازم شروع کرد .

فیل : خوب من خجالت می کشم .

رئیس : بسه دیگه ! تا کبودتون نکردم آماده شید ! (به سمت خروجی می رود)

شیر : رئیس !

رئیس : چته ؟

شیر: می شه این دفعه از تو حلقه ی خاموش بپرم ؟

رئیس : اگه هوس کردی یه هفته گرسنه بخوابی اشکال نداره .

شیر : آخه تمام یال و کوپالم می سوزه .

میمون : (می خندد) «شیر بی یال و بی کوپال که دید ؟»

(رئیس شلاقش را به زمین می کوبد)

فیل : اِوا چقد خشن !

(صدای همهمه می آید ، رئیس خارج می شود .)

شیر : بچه ها ! سرو صدا رو می شنوین ؟

شغال : آره ؛ صدای طرفدارامه . دارن من رو صدا می زنن .

فیل : تو از کجا این رو می فهمی ؟

شغال : حس می کنم . یه جور حسِحسِ

میمون : حس کور ! (می خندد)

شغال : دلچک !

(میمون می خندد)

شیر: خوب انقد سر به سرش نذار تو هم .

میمون: (به طرف شیر می رود و دستش را بالا می آورد. شیر خود را جمع می کند .) بیینم

تومثل اینکه یه جاییت می خاره .

شیر : آخ آخ آخ کمرم درد می کنه .

فیل : اِوا آقا شیره ، تو هم که همیشه کمرت درده .

شغال : خوب می ترسه طفلکی، گناه که نکره .

میمون: بار آخرت باشه .

فیل: هیس ! بچه ها ! بچه ها ، صدا !

شغال : داره ما رو معرفی می کنه .

میمون : آماده شید !

(با پخش موسیقی نور صحنه تغییر می کند حیوانات همگام با خواندن قطعه شعری دکور صحنه را به گونه ای تغییر می دهند که برای اجرا آماده شوند .)
(کم کم موسیقی قطع می شود . صدای تشویق فضا را پر کرده ، حیوانات به ابراز احساسات مردم پاسخ می گویند هر یک سعی می کند خود بیشتر از بقیه نشان دهد . گاهی از سرو کول هم بالا می روند . صدا اندک اندک ، کم می شود .)

صدایی از بلند گو : تماشا گران عزیز هم اکنون به مهیج ترین و زیباترین بخش این سیرک می رسیم . نمایش حیوانات . (صدای تشویق) با حضور ستاره های بزرگ و سر شناس سیرک حیوانات . آقای شیر ، آقای اسب ، آقای فیل و خانم شغال ! اینها بهترین برنامه ای رو که تا به حال شاهدش بودید رو برای شما به اجرا در می یارن . (در همین حین رئیس وارد می شود .) اوه راستی یادم رفت رئیس رو معرفی کنم . (صدای تشویق) رئیس ! کسی که این حیوونا رو تربیت کرده . (صدای تشویق اوج می گیرد ، رئیس ابراز احساسات می کند)
بزرگترین تعلیم دهنده ی حیوانات (رئیس با شلاقی به زمین می کوبد ، حیوانات خود را جمع و جور می کنند .) پر دل و جرات ترین کسی که تا به حال هر حیوونی باهاش روبه رو شده . مردی که خشونت از چهره ش می باره . تا به حال هیچ حیوونی از دستش رام نشده بیرون نرفته . کسی که یه حیوون کاملاً وحشی رو تبدیل به یه موجود کاملاً رام و اهلی می کنه . (شیر مانند گربه خود را جمع می کند و جلوی پای رئیس زانو می زند .) دیدید این همون به اصطلاح شیره ! (تماشاگران می خندند .) کسی که یه حرکت دستش کافیه که بزرگترین حیوون جنگل رو (با حرکت دست رئیس فیل می رقصه) اوه ! واقعا تحسین برانگیزه ! (صدای تشویق تماشا گران) کسی که بهتره دیگه تعریف نکنم : خودتون باید ببینید و لذت ببرید از باشکوه ترین سیرک حیوانات . (صدای تشویق اوج می گیرد .)

... و اما اولین بخش نمایش ...بله شیر ، رئیس و شیر (حیوانات دیگر به اطراف صحنه رفته و صحنه را برای آنها باز می کنند . شغال و میمون حلقه را می گیرند . فیل جلوی چشمش را می گیرد . شیر گامی به سوی عقب برمی دارد . رئیس با شلاق به زمین می کوبد . به شیر اشاره می کند شیر باز هم عقب عقب می رود . رئیس با شلاق به تن شیر می کوبد ، شیر که گویی دچار شوک شده ، به ناگهان دویده و از حلقه می پرد . تماشاگران هیجان زده آنها را

تشویق می کنند) چقدر این صحنه زیبا بود. واقعا که این حیوونا هنرمندن. (شیر به وسط صحنه می آید ، دندانهایش را با مسواک تمیز می کند) اینجا رو ببینید. آه نه! داره چه اتفاقی می افتد (شیر دهانش را باز می کرده و مدام نعره می زند. رئیس به سمت شیر میرود ، کلاهش را بر می دارد. سرش را وبعد دهان شیر را به تماشا گران نشان می دهد) چه سری داره این رئیس. احتمالا می خواد به شما نشون بده که هر کی دندوناش رو مسواک کنه موهاش نمی ریزه ؛ اوه نه نه نه ، مثل اینکه رئیس می خواد سرش رو توی دهن شیر بکنه (صدای فریاد تماشا گران) نه من که طاقتش رو ندارم (رئیس سرش را وارد دهان شیر می کند ، فیل قلبش را می گیرد و بر روی زمین می افتد ، رئیس سرش را بیرون می آورد سپس با شلاقی ضربه ای به شیر می زند. شیر عقب می رود. فریادها اوج می گیرد. رئیس و پشت سرش شیر ابراز احساسات می کنند. رئیس متوجه شیر می شود. با شلاقش او را می زند ، شیر مانند گربه ای خود را جمع کرده و به گوشه ای از صحنه می رود. حالا رئیس تنها در مرکز صحنه است. همه ی نورها روی او می روند و می آند (عجب جسارتی داره این رئیس ، واقعا قابل تحسینه .

...حالا نوبت به نمایش بعدی می رسه. نمایش دلچک سیرک ، آقای میمون... بیاید باهم شاهد شیرینکاری هاش باشیم... (مिमон با اشاره ی رئیس به وسط صحنه می آید ، تعظیمی می کند. رئیس با شلاقش ضربه ای به او می زند. میمون شروع به شیرین کاری روی صحنه می کند از جمله پشتک زدن ، کشیدن گوش دیگر حیوانات ، شکلک در آوردن. تماشاگران از خنده ریشه می روند. صدای خنده فضا را پر کرده است.) چقدر زیبا بود کار این هنرمند (نوری نقطه ای در وسط صحنه شکل می گیرد. رئیس میمون را به عقب پرتاب می کند و خودش در مرکز قرار میگیرد)

...و حالا می رسیم به برنامه ی آقای فیل ، بند باز مشهوری که عکسش با دامن چین چینش روی تمام مجلات چاپ می شه. (فیل به وسط صحنه آمده به بندی که شغال و شیر برایش مهیا می کنند با ترس و لرز نگاه می کند. دو دل است. نگاهش مدام به رئیس است. رئیس با شلاقش به فیل میزند ، فیل از تخته بالا می رود چشمانش را می بندد و از روی بند رد می شود.) می توان به جای بند از تخته استفاده کرد. (صدای تشویق. رئیس فیل را به کناری پرت می کند، خودش به وسط آمده تعظیم می کند.)

چه هیجانی من که قلبم از تو دهنم بیرون پریده. اوه ! این دیگه چیه ؟ (شغال به وسط

صحنه می آید) خانم شغال، شعبده باز معروفی که

(ناگهان از آستیتش که معلوم است درون آن چیزی چپانده ؛ دسته گلی را بیرون می آورد و به سمت تماشاگران پرتاب می کند .) چه کار می کنه این هنرمند (شغال با انگشت به میمون اشاره می کند . میمون جلو می آید ، پارچه ای روی آن می اندازد ، وردی می خواند سپس او را پشت شیشه می برد . فیل ورئیس جلوی آنها قرار می گیرند ، شغال جلو آمده کمی قرو اطوار می ریزد و ورد می خواند میمون به شکل احمقانه ای پارچه را از روی سر خود برداشته ، روی سر شیر اندازد شغال جادوگر با گوی بلورینش ور می رود ؛ ورد می خواند ، رئیس و فیل کنار می روند ، شغال پارچه را از روی سر شیر کنار می زند . شیر بیرون می پرد) چه کار می کنه این هنرمند ، میمون رو به شیرتبدیل کرد حالا دیگه معلوم نیست کی شیره کی میمون ، میمونه شیره یا شیره میمون یا شیره شاید هم میمونه میموناصلا ولش کن چه اهمیتی داره (صدای تشویق ، رئیس به وسط می آید . شلاقش را به حیوانات نشان می دهد ، حیوانات خود به خود صحنه را ترک می کنند .رئیس ابراز احساسات می کند . نور کم کم فید می شود .صدای موسیقی وهیجان کم کم فرود می آید.) (صحنه بعد داخل چادر.

نور می آید.

حیوانات در حال استراحتند. (

فیل : وای که من دارم از خوشی می میرم .

میمون : الان از اون موقع هاست که دلم می خواد بیخودی پشتک بزنم.

شغال : خوب بزن .

میمون : آخه حالشو ندارم .بدنم کبوده .

فیل: اِوا اقا میمونه می خوای من به جات پشتک بزنم (نا شیانه سعی می کند پشتک بزند

نمی تواند) منم تمام بدنم درد می کنه. جای شلاقهای رئیس هنوز خوب نشده.

شغال : هیس ! هیس ! (مکث) هنوز صدای تشویق تماشاگرا تو گوشمه .

فیل : اِوا من خیلی تشویق رو دوست دارم .

شغال : (رویایی) منم همینطور .

فیل : شنیدید طرف چی می گفت ؟ می گفت عکس من با دامن چین چینم توی همه ی

شیر: از تعجب شاخ در آورده.

میمون: عین گاو.

شغال: چه شاخ های زشتی.

میمون: پوزشم که شبیه خره .

شیر : هیچ چیزش شبیه ما نیست .

فیل : انگار یه یه

میمون : یی کره خر دو رگه ست.

شغال: گاو و خر.

میمون: نه نه نه گاو خر...

شیر: آره آره گاو خر...

همه: (دم می گیرند) گاو خر... گاو خر... گاو خر...

رئیس : ساکت ! (به گوزن) حیف من. حیف من که تو رو از اون در به دری بیرون کشیدم

بلکه بیارمت اینجا آدمت کنم .

شیر : از کجا رئیس ؟

رئیس : از تو جنگل .

همه : (با تمسخر) جنگل !! (می خندند)

فیل : اِوا رئیس اسمشو نیار ، من می ترسم .

رئیس : (به گوزن) اینارو می بینی ، هر کدومشون الان واسه خودشون کسیند .همه

هنرمندند. می دونی ؟ می دونی چرا ؟ چون خودشون خواستن .

همه : راست می گه گاو خر.

رئیس : سعی کن اینجا خودت رو نشون بدی . نشون بدی که لیاقتش رو داری که مردم

واست دست بزنند .هورا بکشند .دوستت داشته باشند .لیاقتش رو داری که عکست توی

مجلات چاپ بشه و مردم برات سرو دست بشکونن .

همه : راست می گه گاو خر.

رئیس : وگرنه باید به همون در به دری سابقته برگردی...

همه:توی جنگل.

رئیس:البته اگر زیر شلاق هام جون سالم در ببری .

همه : راس می گه گاو خر.

رئیس:(شلاقش را محکم به زمین می زند) فهمیدی گاو خر ؟

فیل : اِوا فهمید رئیس .

میمون: حالا می خوام باهاش چی کار کنی رئیس ؟

رئیس : اول از همه باید یاد بگیره به هر ساز من برقصه .بعد هم یه فکری براش می کنیم .

شلاقش را به زمین می کوبد (یاالله پاشو برقص .) گوزن تکان نمی خورد)

میمون:پاشو آقا خره.

شغال : این یه رسم .اینجا هر کی می یاد اولش بای از حرکات موزون شروع کنه .

رئیس : هر کی بتونه این کارو بکنه یعنی استعدادش رو داره که از عهده ی هر کاری بر بیاد .

فیل : اِوا بچه ها ، شاید بلد نیست طفلکیببین آقا گاو ه هیچ کاری نداره.منو نیگا(شروع

به انجام حرکاتی ناشیانه می کند) حالا یک ، حالا دو، حالا یک ، حالا دو ، یک ، دو ، یک ،

دو ، یک ، دو.....(یکباره تند و تند می رقصه ، حیوانات دیگر گویی ساز خیالی را به دست

گرفته اند ناشیانه می زنند .) خوب دیگهیاد گرفتی ؟چرا این از جاش تکنون نمی

خوره ؟

شیر : بذار کمکت کنم .(می خواهد دست گوزن را بگیرد .)

رئیس: لازم نکرده .این (اشاره به شلاق) به رقصش می یاره (با شلاق به او می زند گوزن

به او جفتک می زند ، همه خود را عقب می کشند) برا من جفتک می ندازی .حالا نشونت

می دم .(شروع می کند به زدن گوزن ، گوزن بی حال می شود.)

فیل : اِوا آقا ی رئیس .تورو خدا ولش کن .

شیر : راس می گه رئیس .شما یه فرصت بدین ما به راهش می یاریم .

شغال : من خودم جادوش می کنم ، طوری که هر کاری بخواید براتون بکنه .

رئیس : فقط نیم ساعت. بیشتر نشه .

میمون: چشم، چشم رئیس .

رئیس:(در حال خروج موزیانه) اگر برگشتم و موفق نشدید از شام امشب خبری نیست .

شیر : آخی طفلکی خر زندونی .

شغال : تو باید هر چی می گفت انجام می دادی .

گوزن : چرا ؟

میمون : حرف هم که می زنی ؟

شیر : برا اینکه خوش باشی .

شغال : برا این که معروف شی .

میمون : برا اینکه مثل ما آزاد و راحت زندگی کنی .

فیل : اینجا خیلی چیزای خوب داره آقا خره .

گوزن : شما تا به حال تو جنگل بودید ؟

همه : جنگل ؟

گوزن : اصلا تا به حال اونجا رفتید ؟

همه : کجا؟

گوزن : جنگل .

همه : نه .

میمون : ما هممون همینجا به دنیا اومدیم .

گوزن : پس برا همینه که اینجا براتون بهشته .

شغال : اینطور که فکر می کنی نیست . ما خیلی جاهای دیگه رو دیدیم آقا خره .

گوزن : من خر نیستم .

فیل : راس میگه بابا اون یه گاوه .

گوزن : نه .

میمون : اِ من که بهتون گفتم گاو خر .

گوزن : نیستم .

همه : نیستی !!!

میمون : (با تحقیر) نکنه می خوای بگی میمونی ؟

فیل : : یا یه فیل ؟

شغال : شاید هم یه شغاله ؟

شیر : یا یه شیر !

گوزن : من هیچ کدوم از این چیزهایی که می گید نیستم .

میمون : آهان بچه ها ! فهمیدم ، فهمیدم .اون یه سوسکه .(همه می خندند)

گوزن:(با تاسف سرش را تکان می دهد)شما حتی از حیوونای حیات وحش هم کسی رو

نمی شناسید.

شیر: چرا چرا .من یکیشون رو می شناسمخر مگس (همه می خندند)

گوزن : من یه گوزنم .

همه : گوزن ؟؟

شغال : گوزن یعنی چی آقا خره ؟

شیر : یعنی خری که شبیه گاوه.

گوزن: نه بابا گوزن . گوزن.

فیل : گوزن ؟؟

شیر : یعنی گاوی که شبیه خره .

گوزن : بابا گوزن ، گوزن ، گوزن.

میمون:خب حالا چرا عصبانی میشی.گوزن یعنی جونوری که نه خره نه گاوه.

گوزن :خدا!!!!!!(کلافه)یعنی شما تا به حال گوزن ندیدید ؟

همه: نه .

گوزن : پس کجاها رو رفتید؟ کجاها رو گشتید ؟

شغال : کلی شهر کلی روستا.

گوزن: گفتم که برا همینه که اینجا واستون بهشته .شما تا به حال آزاد زندگی نکردید ...

شیر: این چی گفت ؟

(مکت.حیوانات لحظه ای به هم نگاه می کنند.)

فیل : اِوا آقا خره ما اینجا هر چی بخوایم داریم .

گوزن: فکر می کنید .

شیر: هر کاری بخوایم میکنیم.

گوزن: فکر میکنید.

شغال: همه دوستمون دارن.

گوزن: فکر می کنید.

میمون: ما هنرمندیم.

گوزن: فکر می کنید.

شغال: اهی میگه فکر می کنید فکر می کنید.

فیل: اوا آقا گاوه، ما اینجا تنها کاری که نمیکنیم فکر کردنه.

گوزن: فکر کنم این یکی رو درست می گی.

میمون: ما نیازی به فکر کردن نداریم. ما برای زندگی از هنرمون استفاده می کنیم.

گوزن: اسیر یه نفر بودن وبه زور شلاق کاری رو کردن که هنر نیست.

شیر: اون...اون...اون به رئیس اهانت کرد.

فیل: اوا خواهر(می افتد)

شغال: الان جادوش می کنم(ورد می خواند)

میمون : برو بذار بزخم تو پوزش (گارد می گیرد ولی تا گوزن تکانی می خورد پشت سر شغال

پنهان می شود .)

گوزن : ولی منظور من که رئیس نبود منظور من شماييد .

همه : ما!!!؟

شیر: تو از رئیس که این همه کتکت زد ناراحت نیستی ؟

گوزن : چرا ولی بیشتر از اون از دست شما ناراحتم .

میمون : مثل اینکه دیگه راست راستی باید بزخم تو پوزش .

شغال :نمی خواد کاری کنی جادوی من تا چند لحظه ی دیگه دخلش رو می یاره .

شیر : دِ بذار بزّندش اون از دست ما ناراحته .

فیل : لِهش کن .لِهش کن .

شغال : پس صبر کن جادوت کنم (میمون را جادو می کند) دیگه هیچ تیری بهت کارگر

نیست .

(میمون جلوی گوزن گارد می گیرد، ادا در می آورد .چند مشت در هوا رها میکند. به سویش یورش می برد . گوزن جا خالی می دهد و با سر(شاخ) به پشت او می زند میمون با کله به زمین می خورد، فیل جیغ می کشد .)

گوزن : برو بابا حال نداری .

شیر : (باترس)زدش.کشتش.

(همه به شغال نگاه می کنند)

شغال: چرا این طوری نیگام میکنید؟خوب شماها می دونید که من هر وقت گرسنه ام جادوم به کسی اثر نمیکنه.

میمون:پس فقط خواستی ما رو ضایع کنی؟

گوزن:خوب چرا یه چیزی نمی خوری؟

شغال:تو هم وقت گیر آوردی.غذا از کجا پیدا کنم.

گوزن:پس رئیس اینجا چه کاره س؟

شیر:اون فقط دو بار در روز بهمون غذا میده.

فیل:خوب البته حق داره.چون به تناسب انداممون فکر میکنه.

میمون:تو هم حالا خیلی تناسب داری اندام؟

گوزن:شما هیچ میدونید یه نفر چند بار در روزباید غذا بخوره؟

شیر : بستگی به نظر رئیس داره .

گوزن: یه نفر باید در روز سه دفعه غذا بخوره .

همه: (تعجب زده) سه بار !!؟

میمون : لابد این رسم جنگله .

شغال :اینجا رسم چیزیه که رئیس می گه.

گوزن: اونوقت گرسنه تون نمی شه ؟

شیر : ما تقریبا همیشه گرسنه ایم.

گوزن: خوب از رئیس بخواید که

شغال : از رئیس نمی شه هیچی خواست .

شیر : هر کی این کار رو بکنه سر و کارش با شلاقه .

فیل : تو رو خدا اسمش رو نیارید من می ترسم .

گوزن : شما چرا اینقدر از رئیس می ترسید ؟

میمون : سوالات تموم شد ؟

گوزن : جوابم رو ندادید .

میمون : گوش کن آقاخو تو چه بخوای چه نخوای باید یه روزی شبیه ما بشی پس سعی نکن بیخودی تو زندگی ما دخالت کنی . ما زندگی قشنگی داریم و داریم ازش لذت می بریم . حالا هم زود تر تمرین رو شروع کن که وقت نداریم .

گوزن : شما فکر می کنید که زندگی خوبی دارید ...

شغال : اگه مشکل تو غذاست می تونیم

گوزن : شما چرا متوجه نیستید ؟

میمون : خودت متوجه نیستی (با عصبانیت) ما هنرمندیم . مردم برامون دست می زنن

.عکسمون تو روزنامه ها چاپ می شه هر چیزی هم که بخوایم داریم .

فیل : اِوا آقا میمونه بزن تو پوزش .

گوزن : شما هیچ اختیاری از خودتون ندارید .

شیر : بزنش آقا میمونه .

میمون : یه لحظه صبر کنید. صبر کنید. انقد هولم نکنید.

شغال: وایستا آقا میمونه ، بذار جادوت کنم.

میمون: لازم نکرده تو برو کنار.

گوزن: دارید حوصله م رو سر میبرید.

شیر: ما باید تو را به راه نظریم آقا گاو.

گوزن: شماها انقد کودنید که حتی اسم منم نتونستید بخونید. من گوزنم ، گوزن.

شغال :مهم نیست آقا خره.مهم اینه که اگر تا چند دقیقه دیگه تورو به راه نیاریم خودمونیم که....

فیل : تورو خدا نگو بدنم مور مور می شه.

شیر : ما ضمانت تورو کردیم ، ولی تو به جای اینکه به راه بیا ی داری این حرف هارو می زنی ؟

گوزن: من می خوام شما رواز این قفس نجات بدم .

همه : ما نمی خوایم .

میمون : ما اینجا همه چیز داریم .

شغال : ببخود خودت رو خسته می کنی آقا خره .

شیر : راست می گه .

میمون : تو نمایش امروز مارو دیدی ؟

گوزن : دیدم.

شیر : دیدی چطور برامون دست می زدن ؟

شغال : دیدی چطور اسمون رو فریاد می زدن ؟

فیل : عکسمون رو روی سر در سیرک دیدی ؟

گوزن :هه.

میمون : نه تو ه چی رو ندیدی .تو فقط خودت رو دیدی وچارتا جفتک ویه هدی که می

زنی به خیال اینکه رئیس نمی تونه رامت کنه.هه!

همه : هه !

شغال : حالا تا وقتمون تموم نشده بلند شو برقص وگر نه روزگار هممون سیاهه .

شیر : بلند شو آقا خره .

فیل : بلند شو .

میمون :بلند شو .

گوزن : شما تا حالا جنگل رو دیدید ؟ گفتید که نهمی خواید براتون توصیفش کنم؟...

میمون : تو مثل اینکه زبون آدمیزاد حالت نیست .

شغال : ما وقت نداریم .

شیر : بزنی تو پوزش آقا میمونه .

فیل : لَهش کن لَهش کن .

گوزن : نه مثل اینکه شما زبون آدمیزاد حالیتون نیست .(جلو رفته .جفتکی به فیل می زند ، همه به هم می خورند و روی هم می افتند)

میمون : بابا سر به سر این نذارید .این یارو از حیات وحش اومده .می فهمید یعنی چی ؟
شیر : یعنی اینکه وحشیه ؟

فیل : یعنی اینکه هیچ جوری نمی شه با هاش طرف شد .

شیر : می گن حیوونایی که از جنگل می یان دندونا و چنگالهای تیزی دارن که می تونن با یه اشاره کله ی یه نفرو از جا بکنن .

شغال : پس این یارو چرا همش کله وجفتک می زنه ؟
میمون : لابد فوتبالیسته .

فیل : یعنی انقد خطرناکه ؟

میمون : ما از اول نباید انقد بهش نزدیک می شدیم .

گوزن : بابا شما چرا حالیتون نیست .

شیر : بیچاره رئیس با بد کسی طرف شده .

میمون : نترسید رئیس کارش رو بلده .

شغال : این شلاقها به تن هر کسی خورده به راهش آورده .

گوزن : (فریاد می زند) آه !

(حیوانات خود را جمع و جور می کنند.)

فیل : نکنه می خواد بخوردمون .

شیر : آقای گوزن ! آقای گوزن !

گوزن : شما حتما یاید زور بالای سرتون باشه تا حرف آدم رو بفهمید .

میمون : ما می خواستیم شما رو امتحان کنیم آقای خر...چیز... گاونه نه نه...یعنی جناب گوزن .

فیل : می شه ازتون خواهش کنم ما رو نخورید آقای گوزن.

شغال : آه شما فوق العاده اید آقای گوزن پوست قشنگتون ، دندونای تیزتون و چنگال های

قوی تون واقعا آدم رو مجذوب خودش می کنه .

(در حین تملق و عذر خواهی حیوانات همه جلوی گوزن زانو می زنند و زمین را می بوسند)

و از وی آویزان می شوند .)

گوزن: بسه دیگه .ازاین به بعد به سوالای من جواب بدید .(مکث) شما معنی زندگی توی جنگل رو می دونید؟(سکوت. حیوانات بر و بر به هم نگاه می کنند .) نه نمی دونید. شما حیوونید .حیوونا هم وطن شون تو جنگله .تو جنگل هر حیوونی آزاده هر وقت بخواد غذا بخوره .هر چی بخواد بخوره و هر اندازه که دوست داشته باشه .(حیوانات کم کم خوابشان می برد)هر جایی هر وقت که بخواد بره هر جایی که بخواد خونه بسازه .هر کاری بخواد بکنه ، اقا بالا سر نداشته باشه .تو جنگل آدم مجبور نیست به هر سازی برقصه .اون می تونه هر چیزی که می خواد بپوشه ، کارایی رو که دوست نداشته باشه انجام نده .مضحکه خاص و عام نشه .(با لگد به شیر می زند شیر بیدار شده ، بقیه را بیدار می کند)توی جنگل بی شیر واقعاً یه شیره ، یه فیل یه فیله ،یه میمون یه میمون ، یه شغال هم یه شغاله ...
(همه برایش دست می زنند)

شغال : این چی گفت ؟

میمون : نمی دونم .فقط می دونم ما نتونستیم به راهش بیاریم .

فیل : (به شیر) تو چیزی فهمیدی ؟

شیر : (که همچنان به تنهایی احمقانه در حال دست زدن است) نه !

(رئیس وارد می شود ، شیر همچنان در حال دست زدن است .)

فیل : (به شیر)رئیس .رئیس .رئیس (شیر متوجه نیست ، همه خود را جمع جور می کنند و به کناری می روند. رئیس بالای سر شیر می رسد، شیر رئیس را می بیند از ترس خشکش می زند .)

رئیس : خوب من منتظرم .(سکوت محض .هیچ کس تکان نمی خورد) می بینم که امشب به جای شام باید یه فصل کتک حسابی نوش جان کنید .

شغال : ما بی گناهیم رئیس .

فیل : رحم کن رئیس .

شیر : نهنهنه رئیس ، تورو خدا (غش می کند .)

رئیس : التماس کنید .التماس کنید .من از التماس کردن خوشم می یاد .(می خندد)

میمون : (از پای رئیس آویزان می شود .) به جوونیمون رحم کنید .

شغال : تو رو خدا .

گوزن : تو حق نداری اونا رو به خاطر من تنبیه کنی .

رئیس : می بینم که زبون هم داری . (گوزن جوابی نمی دهد) می دونستی من عادت دارم گوزنای وحشی بلبل زبونی مثل تورو از سقف آویزون کنم ؟ نه ، حتما نمی دونستی هم که اگه به حرفام گوش ندی و کارایی رو که ازت می خوام انجام ندی با یه ساطور قیه قیه می کنم و تیکه بزرگت گوشته . (چند قدم می زند و کمی فکر میکند) خیلی خوب باشه . من می تونم یه فرصت دیگه بهت بدم . خوب چون آدم خوش قلب و خوبی هستم و همیشه به فکر حیوونای خودمم . حالا پاشو .

گوزن : من می خوام آزاد باشم .

رئیس : اینجا همه آزادان .

گوزن : پس اون چیه (اشاره به شلاق)

رئیس : این این چیزه ببین جونم بالاخره هرپدری فرزندش روتنبیه می کنه . تازه مگه نشنیدی که می گن چوب معلم گله هر کی نخوره خُله .

گوزن : ولی من می خوام خودم

رئیس : آه داری خستم می کنی . گفتم پاشو ! آهای میمون ! بَزَکِش کن .

میمون : چشم رئیس .

(گوزن مانع می شود رئیس هم وارد معرکه می شود . درگیری شدت می گیرد . گوزن با سر به سینه ی رئیس می زند . همه ناگهان می ایستند ، نفس ها در سینه حبس می شود . به جز گوزن و رئیس که در وسط صحنه چشم در چشم هم می مانند تمام حیوانات چند گام عقب می روند . لحظاتی به این منوال می گذرد .)

رئیس : (با عصبانیت تمام) قفس !

(همه ی حیوانات به بیرون صحنه می دوند و قفسی آورده گوزن را درون آن می اندازند . صحنه تاریک می شود . صدای ضربات شلاق شنیده می شود . کم کم موسیقی غمناکی فضا را پر می کند .)

(نور می آید .)

گوزن داخل قفس در وسط صحنه و حیوانات دور او (

شیر: امروز هم برنامه داشتیم.

میمون: تو راست می گفتی تو برنامه ی امروز دقت کردم هیچ کس برای ما دست نمی زد .

فیل: هیچ کس دلش برای ما نمی تپید .

شغال: همه فقط رئیس رو تشویق می کردن.

شیر: رئیس حتی اجازه نمی داد ما دیده بشیم .

میمون: آقای گوزن برامون از جنگل بگو .

شغال: طفلکی از بس کتک خورده نمی تونه حرف بزنه .

میمون: امروز از رئیس خواستم بهمون اجازه بده از اینجا بریم بیرون ، گفت نه.

فیل: من دیگه از این دامن خسته شدم .دلم می خواد مثل یه مرد زندگی کنم .چه کار کنم

آقای گوزن، رئیس اجازه نمی ده .

میمون: خوب باید مثل آقای گوزن بزنی تو پوزش .

فیل: نه!

گوزن: راس می گه .تنها راهی که بتونید آزاد زندگی کنید اینه که با اون که اسیرتون کرده

مبارزه کنید .

شغال: اما این خیلی سخته .

گوزن: به دست آوردن هر چیز با ارزش سخته .

شیر: حالا به نظر تو ما باید چی کار کنیم ؟

گوزن: اول باید یه جوری این درو(اشاره به در قفس) باز کنید .

فیل: اِ وَا رئیس .

گوزن: رئیس مُرد .

فیل: راست می گی ؟

گوزن: منظورم اینه که وقتی ما شکستش بدیم از غصه می میره .

فیل: آها !

گوزن: اون مِله رو بیارید (میله را می آورند)بذاریدش لای قفلِ در ، زور بزنید.آها، آهان !)

همه کمک می کنند وزور می زنند .با صدای تقّه ای قفل در باز می شود .همه از شادی فریاد

می کشند.) متشکرم. از همتون ممنونم .

میمون :قابلی نداشت آقای گوزن،فقط باید قبل ازاینکه رئیس بیاد یه کاری بکنیم .

گوزن : من یه نقشه ای دارم .

همه : نقشه ؟!!؟

گوزن: بیایید اینجا (همه دور او حلقه می زنند .آرام چیزی به جمع می گوید .همه چند قدم

به عقب بر می دارند .)

شغال : ما می ترسیم *

گوزن: نباید بترسید .

شیر : بچه ها صدای رئیس داره می یاد .

فیل : ای وای .

میمون : یاالله زود باش برو تو قفس اون نباید بفهمه ما تورا بیرون آوردیم .

گوزن: بچه ها ازتون خواهش می کنم ما برای نجات از اینجا به کمک هم احتیاج داریم .

شیر : ولی من اینجاور موقع ها کمرم درد می گیره .

فیل : منم که اضافه وزن دارم .

شغال : منم که یه خانومم .

میمون : منم کهمنمآخ سرم ، خدا ،وای سرم داره ازدرد می ترکه .

گوزن: آه !

(رئیس وارد می شود .هر یک از حیوانات به گوشه ای می روند رئیس تعجب زده بدون

کلامی آرام آرام جلو می رود . گوزن بدون اینکه تکان بخورد چشم در چشم رئیس دارد

.رئیس مدام با شلاقش بازی می کند .روبروی گوزن که می رسد شلاق را بالای سر می برد

که به گوزن ضربه ای بزند .سایر حیوانات چشم های خود را می گیرند . گوزن شلاق را از

دست رئیس می گیرد و آن را می شکند .رئیس شوکه شده ، برای لحظه ای تکان نمی خورد

.سپس عقب عقب رفته ، فریاد می زند)

رئیس : ساطور (حیوانات می خواهند به دنبال ساطور بروند که گوزن شلاق را جلوی پای

رئیس می اندازد حیوانات به شلاق نگاه می کنند . می ایستند .)می خوام شقه شقه ش کنم

،یاالله بهنم .(حیوانات تکان نمی خورند. رئیس به سمت شیر می رود .)گفتم ساطور ! (شیر

از ترس می خواهد خود را مچاله کند که به شکل اتفاقی ضربه ای به صورت رئیس می زند.
رئیس صورتش را می گیرد. شیر خود را جمع و جور می کند. همه هیجان زده نگاه می کنند
(.

میمون : اون رئیس رو زد .زدش .زد .

شغال : وقتی اون شیر ترسو می تونه این کار رو کنه چرا ما نتونیم .رئیس! ما می خوئیم از

اینجا بریم بیرون!

رئیس:نمی شه.

میمون : ما می خوایم برای خودمون نمایش بدیم.

رئیس :نمی شه.

فیل:ما...ما... غذا میخوایم.

رئیس:گفتم ساطور!

میمون:پس بیا جلو رئیس . بیا جلو

شیر : (چشمانش را باز می کند تازه متوجه کار خود شده) یعنی من این کار رو کردم ؟

گوزن: آره!

رئیس : می‌گشمتون . بیچاره تون می کنم.

گوزن : اینا دیگه نمی خوان زیر دست تو باشن .

شغال:راست می گه رئیس .

میمون : دیگه بهش نگید رئیس . بیا جلو ...بیا (جلو می رود)

رئیس : اگه من ازتون نگهداری نکنم آواره می شید .

(میمون محتاطانه ضربه ای به رئیس می زند)

رئیس : آخوایآی

میمون : دیدیددیدید..... من زدمش کشتمش

(شیر جرات کرده به رئیس نزدیک می شود .شغال ظرفی برداشته محکم بر سر رئیس

می کوبد.)

رئیس: آخوایآیبسه دیگهآی

(شیر گازی از سر رئیس می گیرد.)

رئیس : بَسّه کمکآی

فیل : حالا من رو نیگا کنید .(عقب عقب رفته ، خود را محکم روی رئیس می اندازد.) آخ جون!

رئیس : آخ ،وای کمکدیگه بَسّه !... بَسّه !... غلط کردم ، من رو ببخشید ، اشتباه کردم

(حیوانات رئیس را بلند می کنند)

میمون : حالا نشونت می دیم .

(گوزن در قفس را باز می کند ، حیوانات سیرک او را در درون قفس انداخته ، گوزن در قفس را می بندد .)

رئیس : آخ ! وای ! بیچاره شدم ! بد بخت شدم !

گوزن : (به رئیس) حالا دیگه نوبت ماست .(رو به حیوانات) بچه ها ماها دیگه آزادیم .

همه : (فریاد زنان) آخ جون !

(نورهای رنگی صحنه را پر می کنند .آهنگی پخش می شود و همگام باخواندن شعری توسط حیوانات دکور سیرک جمع شده به جای آن تعدادی درخت در صحنه قرار می گیرند ، رئیس داخل قفس تقلای بی نتیجه می کند.)

کورش نیک پیام

۰۹۱۳۲۷۰۱۹۵۷